



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۳. اجماع منقول - وجوه کاشفیت اجماع از رأی معصوم (ع) - نظر محقق نایینی و مصادف با: ۲۱ شوال ۱۴۴۵

بررسی آن

جلسه: ۱۰۰

سال پانزدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### نظر محقق نایینی

عرض کردیم محقق نایینی شش وجه برای حجیت اجماع و کشف رأی معصوم ذکر کردند و پنج وجه را مورد اشکال قرار داده و تنها یک وجه را قبول کردند. عبارت ایشان این است «و قیل ان الوجه فی حجیته انما هو لاجل کشفه لوجود الدلیل المعتمد عند المجمعین و لعل هذا الاخیر اقرب المسالک» گفته شده که وجه در حجیت اجماع این است که اجماع کاشف از وجود یک دلیل معتبر نزد مجمعین است. دلیلی که آنها به آن دسترسی داشتند و به دست ما نرسیده است. این وجه را ایشان اقرب المسالک می داند. هم چنین می فرماید «فالانصاف ان الذی یمکن ان یدعی هو این یكون اتفاق العلماء کاشفا عن وجود دلیل معتبر عند المجمعین» انصاف این است که اتفاق علما کاشف از یک دلیل معتبر نزد مجمعین است. آنگاه ایشان در توضیح این مطلب در یک شرطی را ذکر می کند (که ما قبلا هم ذکر کردیم) و آن اینکه این اتفاق در موردی نباشد که یک اصل و یک قاعده و یک دلیلی موافق با متفق علیه وجود داشته باشد. زیرا اگر یک اصلی یا دلیلی یا قاعده ای باشد که بتواند رای و نظر و مجمعین به آن استناد داده شود دیگر نمی توانیم بگوییم این اتفاق کاشف از رأی معصوم است. چون ممکن است کسانی که رأی یکسانی دارند در این فرض یا به آن اصل یا به آن قاعده یا به دلیل استناد کرده باشند و این دیگر کاشف از رأی معصوم نیست. ما می خواهیم غیر از اصل و قاعده و دلیل عام و مطلق، یک دلیل خاص دیگر برای رأی و اتفاق نظر اینها درست کنیم. یک دلیل معتبر دیگر و آن هم رأی معصوم است. وقتی می گوییم همه یکسان نظر دادند و هیچ دلیلی هم پیدا نشده که احتمال استناد اینها به آن دلیل داده شود معلوم می شود که نظر معصوم این بوده است.

سپس ایشان یک استدراکی می کند و می فرماید «نعم اگر این اتفاق مستمر باشد از زمان معصومین الی زمان متأخرین. یعنی اصحاب ائمه (علیهم السلام) که معاصر با ائمه بودند یک نظری داشتند، در دوران بعد از غیبت امام عصر (عج) همچنان این نظر بوده و در عصرها و زمان های بعدی نیز این اتفاق بوده تا زمان ما و الان نیز این اتفاق وجود دارد، این می تواند کاشف از رأی معصوم باشد مثلا فرض کنید از زمان ائمه، محمد بن مسلم و زراره و دیگران یک نظر را داشتند، آن زمان تنها نظر معصومین را بیان می کردند و خودشان فتوا نمی دادند، تازه بعد از دوران ائمه ابتدا کتابهای فتوایی فقهای بزرگ ما همه عین الفاظ روایات بود، اصلا تعابیر و عبارت هایی که در مقام بیان فتوا می آوردند در کتاب ها، دقیقا عین متن و عبارات روایات بود منتهی بعدا این تغییر کرد و مسائل و مطالب دیگر نیز ضمیمه شد. اینها به تعبیری الاصول المتعلقات من الائمة بودند. مثلا مقنعه شیخ مفید یا هدایه شیخ صدوق، نهاییه

شیخ طوسی همه بر این منوال نوشته شده است، عین متن روایت به عنوان فتوا ذکر می شد. بعد یک تغییری ایجاد شد و شروع کردند با قلم خودشان و عبارات خودشان فتوا را می نوشتند و این هم به خاطر اشکالی بود که اهل سنت به علمای شیعه گرفتند که شما غیر از متن روایت چیزی بلد نیستید. لذا علماء بر اساس روایات و قواعد خودشان فتوا می نوشتند. مثلاً مبسوط شیخ طوسی با این روش نوشته شده است یا کتاب الانتصار سید مرتضی یا ناصریات سید مرتضی یا کتاب تهذیب نوشته ابن جنید، اینها دیگر از آن مرحله نقل عین عبارت روایت گذشته بودند و عبارات از خود این علماء بود. به هر حال به نظر محقق نایینی اگر چنین اتفاقی از زمان ائمه (علیهم السلام) مستمرا الی زمان المتأخرین وجود داشته باشد، این کشف قطعی از رضایت معصوم می کند و دیگر توجهی به این نمی شود که اصل و قاعده و دلیلی موافق این اتفاق است یا خیر.

منتهی ایشان می گوید «الا ان تحصیل مثل هذا الاتفاق مما لا سبیل الیه» پس کأنه یک تبصره ای ذیل آن شرط می گذارد که بله اگر چنین اتفاقی از زمان معصومین تا الان باشد، در این صورت بود و نبود اصل و قاعده و دلیل مهم نیست، این تبصره ای ذیل آن شرط است ولی می گوید این مما لا سبیل الیه، معنایش این است که ما راهی برای به دست آوردن آن نداریم؛ آنچه که می تواند محقق شود این است که ما اتفاق علماء را از زمانی که شروع به بیان فتوا کردند مشاهده کنیم. و الا ما نظر محمد بن مسلم و زراره و یونس بن عبدالرحمان و اصحاب ائمه را نمی دانیم، هر چه از آنها نقل شده است روایات است، ولی نظر شیخ صدوق و شیخ کلینی و شیخ مفید و شیخ طوسی را می توانیم از لا به لای کتب فتوایی آنها به دست بیاوریم، یعنی حتی هدایه شیخ صدوق که عباراتش عین متن روایت است ولی وقتی روایت را می بینیم می فهمیم که این فتوای شیخ صدوق بوده منتهی فتوای خودش را در قالب متن روایت بیان کرده است پس ما راه برای به دست آوردن فتوای ارباب فتوا داریم. از هر دو دسته کتب اینها می توانیم انظارشان را به دست بیاوریم. از آن زمان الی زماننا هذا امکان اینکه ببینیم آیا اتفاق نظر وجود دارد یا خیر، هست.

اما یک مسئله ای است که و آن اینکه این اتفاق نظر لا یکشف عن رضا المعصوم، زیرا اینها هیچکدام معاصر معصوم نبودند و درک نکردند معصوم را تا ما بگوییم از معصوم تلقی کرده و این نظر را داده است. تنها چیزی که باقی می ماند این است که لابد یک دلیل معتبری در اختیار آنها بوده و این به دست ما نرسیده است وقتی می بینیم از آن زمان تا این زمان همه اتفاق نظر دارند و هیچ قاعده و اصل و دلیلی موافق با نظر مجمعین وجود ندارد می گوییم اینها حتماً یک دلیل معتبری داشتند که این نظر را دادند. پس اتفاق مجمعین یکشف عن دلیل معتبر به شرط اینکه در آن مورد یک اصل و قاعده و دلیلی نباشد. ولی این کشف از رضایت معصوم مستقیماً نمی کند.

سپس ایشان در پایان می فرماید: کأنه تقابل بین اجماع و سنت بناً علی هذا می شود تقابل بین اجماع و تفصیل به این معنا که اجماع کاشف از وجود یک دلیلی است علی الاجمال یعنی اجماع می شود تفصیل، سنت می شود اجماع.

اجماع تفصیلاً آن حکم شرعی را بیان می کند، مثلاً همه اتفاق نظر دارند بر این حکم اما آن سنت یا روایت یا دلیل معتبری که ما می گوییم حتماً پشتوانه نظر مجمعین بوده، آن برای معلوم نیست و برای ما مجمل است و لذا تقابل بین اجماع و سنت می شود تقابل اجماع و تفصیل، اما رأی معصوم با این به دست نمی آید.<sup>۱</sup> این محصل فرمایش محقق نایینی در باب حجیت اجماع و وجه کاشف بودن اجماع از رأی معصوم است.

<sup>۱</sup> فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۵۱

سوال:

استاد: این یکی از آن پنج وجهی بود که برای اجماع گفتیم. محقق خراسانی نیز همین را گفتند که اجماع کاشف از وجود یک دلیل معتبر است منتهی ایشان این را یک مقداری پر و بال دادند و یک شرطی برایش بیان کردند و مقداری توضیح داده و تقویت کرده این را. زیرا همه آن وجوه را رد کرده است و اینجا می فرماید هذا هو اقرب المسالك.

سوال:

استاد: این کاشف از وجود یک دلیل معتبر، در حقیقت یک دنباله دارد، می گوییم اتفاق مجمعین کاشف از وجود یک دلیل معتبری است که در دست آنها بوده و به خاطر آن این فتوا را دادند ولی الان در اختیار ما نیست اما اگر فرض کنیم یک قاعده ای یا اصلی یا دلیلی باشد و موافق با نظر مجمعین، ما دیگر کشف از وجود یک دلیل معتبر با آن خصوصیت نمی کند زیرا می گویند حتما اینها به همین ادله استناد کردند و این ادله در دسترس ما می باشد، حال یا قاعده بوده یا اصل لفظی. بنابراین در این مسلک آنچه مهم است این است که این کشف از وجود یک دلیل معتبر عندهم می کند که ما به آن دسترسی نداریم.

سوال:

استاد: شما به یکی از وجوه گذشته بر می گردید. اصل اینکه کاشف از رأی معصوم باشد، همه دنبال همین هستند، یعنی همه می خواهند این را توضیح دهند که چگونه کاشف از رأی معصوم است؟ یکی می گوید از راه دخول الامام فی ضمن المجمعین که می شود اجماع دخولی، یکی می گوید از راه تشرف و دیگری می گوید از راه قاعده لطف و یکی دیگر می گوید از راه ملازمه عادی و یکی می گوید از راه تراکم ظنون که همه را توضیح دادیم. بله فرق این وجه که محقق نایینی گفتند با آنچه در گذشته مطرح شد یعنی مختار محقق نایینی با پنج وجه دیگر این است که در آن پنج وجه مدعا یا به تعبیر دیگر مکشوف رأی معصوم است ولی اینجا مکشوف دلیل معتبر است.

سوال:

استاد: بله او می خواهد بگوید وجود یک دلیل معتبر در واقع واسطه می شود برای کشف رأی معصوم. یعنی تفاوت این مسلک با پنج مسلک دیگر این است که در آن پنج مسلک ادعا این است که رأی معصوم بی واسطه کشف می شود و ما از اتفاق مجمعین مستقیما رأی معصوم را کشف می کنیم ولی در این وجه مکشوف رأی معصوم نیست بلکه یک دلیل معتبر است منتهی آن دلیل معتبر خودش حاکی از رأی معصوم است مثلا یک روایت معتبری است از امام معصوم که رأی معصوم را بیان می کند.

**بررسی نظر محقق نایینی**

**اشکال اول**

واقعش این است که از محقق نایینی بعید است که می گوید هو اقرب المسالك. البته تعبیر به اقرب المسالك یعنی در این وجوه این نزدیک تر است ولی اینکه این کاملا هم مقبول باشد از آن استفاده نمی شود، می گوید ما می توانیم از اتفاق نظر مجمعین کشف کنیم یک دلیل معتبری بوده که اینها به خاطر آن یک را فتوا دادند ولی آن به ما نرسیده است. اما مسئله این است که اصلا ما به دنبال این بودیم که چگونه می خواهیم با اجماع رأی معصوم را استکشاف کنیم. این مسلک به یک معنا خروج از آن مدعا است زیرا کشف رأی

معصوم نمی کند، ما که نمی خواهیم روایت کشف کنیم بلکه می خواهیم رأی معصوم را کشف کنیم. حال روایت و دلیل معتبر درست است که می تواند واسطه شود برای رای معصوم. آنها دنبال توجیه این مطلبند که رأی معصوم مستقیماً کشف شود و واسطه نخورد، ولی اینجا واسطه می خورد. این یک اشکال است. حداقل نسبت به آن وجوه ضعیف تر تلقی می شود زیرا ادعای کشف رأی معصوم نمی کند بلکه ادعای کشف یک وجود دلیل معتبر می کند که به دست ما نرسیده است.

### اشکال دوم

از این مطلب که بگذریم عمده اشکال همان است که قبلاً گفتیم و برخی نیز به محقق نایینی این اشکال را وارد کردند از جمله محقق خویی و دیگران که:

بر فرض بگوییم اتفاق مجمعین کاشف از یک دلیل معتبری است که به دست ما نرسیده است. اما از کجا معلوم که این دلیل اگر به دست ما می رسید مورد قبول ما واقع می شد؟ بالاخره آن هم قاعدتاً یک روایتی بوده شاید آن روایت را اگر ما می دیدیم و بررسی می کردیم در دلالتش حداقل خدشه می کردیم تازه اگر سندش را می پذیرفتیم. اما دلالتش شاید محل اشکال قرار می گرفت.

### اشکال سوم

اشکال بعدی این است که جوامع روایی ما حتی الامکان هرچه روایت بوده را جمع آوری کردند؛ کتب اربعه از میان آن اصول چهارصد گانه، کتب راویان، آن مقداری که ممکن بوده جمع آوری کرده است بعد از آن روایت هایی که در این کتب اربعه نیامده دوباره باز جمع آوری شده است، یعنی تقریباً می توانیم بگوییم همه آنچه که ممکن بوده جمع آوری شده است، اینکه ما بگوییم امکان دارد که یک دلیلی بوده که به دست ما نرسیده، این یک احتمال عقلایی قابل توجه نیست، بلکه یک احتمال هست ولی یک احتمال عقلایی قابل توجه نیست. لذا به نظر می رسد این مطلب هم قابل قبول نیست. یعنی پذیرش وجهی که محقق نایینی فرمودند واقعش این است که مشکل است و به خاطر همین است که اکثر این وجه را قبول نکردند.

### بحث جلسه آینده

اینجا محقق بروجردی نظر دیگری دارند که قابل توجه است. ما حالا باید این مبنا و نظر را ذکر کنیم. البته این یک مطلب کلی است ولی در این بحث کارایی دارد و ما آن وقت می توانیم بگوییم که فرمایش محقق بروجردی قابل قبول است.

ایشان فی الجمله همان ملازمه عادی را قبول کرده است، همان وجه پنجم که گفتیم، ملازمه عادی بین اتفاق مجمعین و رأی معصوم، لکن یک قیدی اضافه کرده است در این مورد، می گوید ما این را به نحو مطلق نمی توانیم قبول کنیم ولی در بعضی از موارد این پذیرفته است. ایشان به طور کلی مطالب فقهی را سه قسم می کند و می گوید در یک قسم اینها این ملازمه عادی وجود دارد اما در دو قسم دیگر این ملازمه وجود ندارد. که تفصیل آن را در جلسه بعد بیان می کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»